

## نقدی بر زبان، منزلت و قدرت در ایران

ویلیام اُبی من، ترجمهٔ رضا مقدم کیا، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳. چاپ پنجم، ۳۷۷ صفحه.

رضا امینی<sup>۱</sup>

### ۱. معرفی اثر

نویسندهٔ کتاب *Language, Status and Power in Iran* ویلیام اُبی من مردم‌شناس زبان‌شناس آمریکایی است که تحقیق خود را دربارهٔ زبان فارسی در دههٔ هفتاد به‌انجام رسانده است. وی با توسل به ابزارها و روش‌های تحلیل در حوزه‌های جامعه‌شناسی زبان، کاربردشناسی زبان و تحلیل گفتمان و نیز روش‌های تحلیل و توصیف در مردم‌شناسی، زبان فارسی را آنگونه که در تعامل‌های ایرانیان به‌کار برده می‌شود توصیف می‌کند. بی‌من روستای گواکی شیراز را به‌عنوان محل انجام تحقیق میدانی خود انتخاب می‌کند و از طریق مراودات خود با مردم روستا و همچنین حضور در دانشگاه شیراز به جمع‌آوری داده‌های خود می‌پردازد. نویسنده دلیل انتخاب چنین روستایی را ذکر نمی‌کند ولی می‌توان حدس زد که علت زبانی یا مردم‌شناختی نداشته و به‌احتمال زیاد به‌علت مراودات ایشان با دانشگاه شیراز و اعتبار بین‌المللی دانشگاه شیراز در سال‌های قبل از انقلاب بوده است. بااینکه نویسنده کتاب، خود اذعان دارد که تحقیق میدانی خود را براساس یک جامعهٔ روستایی کوچک به‌نام گواکی به‌انجام رسانده است ولی عنوان کتاب را زبان، منزلت و قدرت در ایران نامیده است که پس از مطالعهٔ کتاب نیز متوجه می‌شویم مثال‌ها و نتیجه‌گیری‌های وی بیشتر بر اساس همین جامعه زبانی بوده است؛ حال چگونه می‌توان یافته‌های یک جامعهٔ کوچک روستایی را به‌کل ایران تعمیم داد جای پرسش دارد! چرا که ایران از لحاظ زبانی، گویشی، اجتماعی، فرهنگی و بسیاری تقسیم‌بندی‌های دیگر بسیار متنوع است. از طرفی نویسنده کتاب در فصل ۵ گونه‌های گفتاری معیار در مناطق شهری و تنوعات سبکی آنها را مبنای کار خود می‌داند که البته بیشتر به سمت گونه معیار تهرانی سوق دارد. انتخاب هوشمندانه و ترجمهٔ بی‌نقص رضا مقدم کیا از این کتاب به‌حق شایسته تحسین و تمجید است چرا که کتاب‌های اندکی از این دست به فارسی ترجمه شده است. چاپ اول کتاب حاضر در سال ۱۳۸۱ به‌چاپ رسیده

---

۱. استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

است و چاپ فعلی پنجمین ویراست از این کتاب است. مقدم‌ک‌یا در سال ۱۳۸۱ بنا به وعده خود در پیش‌گفتار چاپ نخستین، ترجمه مقاله‌ای از نویسنده با عنوان «عاطفه و صمیمیت در گفتمان زبان فارسی» را افزوده است و کتابنامه مغفول مانده در چاپ‌های قبلی را نیز اضافه نموده است.

## ۲. بررسی شکلی

این کتاب در قطع رقعی و با جلد شومیز در نشر نی به چاپ رسیده است. طرح جلد آن از طرح اثر اصلی کاملاً متفاوت است. واژه ایران از عنوان کتاب در جلد اصلی مورد تاکید قرار گرفته و درشت‌نویسی شده است ولی در ترجمه تمامی کلمات عنوان، با قلم هم‌اندازه نوشته شده‌اند. به لحاظ زیبایی‌شناختی، ادات تعریف «و» و «در» در عنوان کتاب باید کوچک‌تر نوشته می‌شد. نام نویسنده کتاب ویلیام بی‌من قید شده و به تبعیت از کتاب اصلی، بهتر آن است که عنوان نویسنده به‌طور کامل یعنی به‌صورت «ویلیام اُ. بی‌من» بیاید. طرح زمینه جلد کتاب یادآور فرهنگ ایرانی‌اسلامی کهن است. قابل ذکر است، طرح کتاب اصلی دورنمایی از پرچم جمهوری اسلامی ایران است و نشان جمهوری اسلامی ایران و شعارهای الله اکبر پرچم، به‌وضوح پیدا است. با این حال با مطالعه کتاب متوجه می‌شویم، حضور نویسنده در ایران به سال‌های قبل از انقلاب برمی‌گردد ولی به‌واسطه چاپ کتاب در سال ۱۹۸۶ یعنی هفت سال بعد از انقلاب ایران (۱۹۷۹)، نویسنده چنین طرح جلدی را برمی‌گزیند. در واقع تحقیق میدانی بی‌من با طرح روی جلد آن هم‌زمانی ندارد. از این نظر انتخاب طرح نویسنده اصلی هوشمندانه‌تر از طرح جلد ترجمه کتاب است.

حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی کتاب به بهترین شکل انجام شده و این آراستگی چاپ به علمی بودن و حرفه‌ای بودن نشر نی برمی‌گردد. تنها صورت نازیبای جلد کتاب، شاید سخن مقدم‌ک‌یا در پشت جلد چپ کتاب است که راست‌چین نشده است. قواعد عمومی نگارش در سطح بسیار خوبی رعایت شده و اشتباهات نگارشی بسیار اندک است. همین تعداد اندک اشتباهات نیز بیشتر از نوع رعایت فاصله یا نیم‌فاصله است که در این‌جا به اجمال برخی از آنها را ذکر می‌کنیم. صورت‌های صحیح در داخل پرانتز و شماره صفحه در جلو آنها آمده است.

- روی هم‌رفته (روی هم‌رفته): ۵۲، ۱۱۸، ۱۴۳، ۱۶۳، ۱۷۴، ۱۷۸ و...

- درون مایه (درون مایه): ۷۳

- زمیندار (زمین دار): ۱۲۱

- شما گرفته (شما گرفته): ۲۰۰

- منزلت ادراکی پنداشتی (منزلت ادراکی) (منزلت پنداشتی) (احتمالاً تکرار رخ داده است): ۲۰۳  
- بدین‌ترین (بدین‌طریق): ۲۰۶ (گفتنی است که این مورد تنها غلط املائی کتاب از نگاه بنده است.)

- بردورشدن (بر دورشدن): ۲۱۰

- سایپرو کروکر (سایپر و کروکر): ۳۱۸

- Illocutionary (acts) (illocutionary acts): ۳۱۹

- رادر (را در): ۳۱۹

- باز تعریف (بازتعریف): ۲۷۷

- کاربرد شناختی (کاربردشناختی): ۲۸۴

- شاهد مثال (شاهد) یا (مثال): ۳۰۳ (هر دو به یک معنی و ذکر یکی کافی است.)

از آنجایی که در خط فارسی نشانه‌ای برای شناسایی اسامی خاص وجود ندارد و از طرفی خواننده کتاب نیز ممکن است به صورت لاتین نام نویسندگان نیاز پیدا کند، مترجم باید معادل انگلیسی نام‌های خاص را در پانویس بیاورد. باین‌حال در کتاب حاضر نویسنده از اسلوب خاصی پیروی نکرده و برخی نویسندگان را در پانویس ذکر کرده و برخی دیگر را ذکر نکرده و یا گاهی پس از اینکه اسمی در صفحات گذشته در پانویس ذکر نشده در صفحات بعدی به آن پانویس داده شده است. همچنین باید به یاد داشته باشیم که برخی اصطلاحات فنی و یا اصطلاحات و واژگان غیر انگلیسی و فارسی و یا احیاناً اشتباهات نوشتاری یا ارجاعی در متن اصلی باید پانویس شود. به‌طور مثال «سائق» در صفحه ۳۰۱ اصطلاح روان‌شناسی است و باید علاوه بر ذکر معادل انگلیسی، در پانویس نیز تعریف شود. و یا تناقض راسلی و اپی‌مندسی در صفحه ۲۹۰ به پانویس نیاز دارند. در صفحه ۳۱۹ نیز دو اصطلاح ژاپنی *bon-ne* و *tatmate* به پانویس نیاز دارند. از طرف دیگر در صفحه ۲۲۳، مترجم پانویسی را افزوده است که شاید تشخیص درستی نباشد. مترجم در این پانویس به جای «قطب الف» در متن اصلی «قطب ب» را پیشنهاد می‌کند و اذعان می‌دارد که اشتباه از نویسنده بوده است که بعید می‌نماید!

در سراسر کتاب و به‌خصوص فصل ششم، افعال فارسی به‌عنوان نمونه ذکر شده است اما از متن اصلی متمایز نشده است که این مسئله از روانی متن می‌کاهد. بهتر است مثال‌های درون متن با استفاده از نمادهای نشانه‌گذاری یا به‌صورت ایرانیک‌نویسی از متن اصلی متمایز شوند.

نویسنده کتاب برای حرف‌نویسی (ع) و (ء) از نشانه دیداری (۴) استفاده کرده است، از طرفی مترجم

نیز برای مشخص کردن و تمایز برخی کلمات فنی یا مثال‌های درون متن نشانه‌های (۴) و (۵) را به‌کاربرده است که انتخاب مناسبی نیست و بهتر آن است که از نشانه‌های دیگری استفاده شود.

### ۳. بررسی محتوایی

در بحث ترجمه به‌لحاظ محتوایی و رسایی، کتاب حاضر از ترجمه‌ای روان برخوردار است و بسیار بعید است خواننده برای درک جمله‌ای متوقف و یا مجبور به مطالعه مجدد جمله یا مبحثی شود. تنها گاهی جملات، بسیار طولانی است و شاید به سه الی چهار سطر می‌رسند که این موضوع کمی از سرعت درک خواننده می‌کاهد؛ البته با ظرافت خاصی از طرف مترجم، رابطه منطقی درون چنین جملات طولانی به‌درستی حفظ شده است. مترجم تا حد امکان سرهنویسی فارسی را در ترجمه خود رعایت کرده است و در معدود مواردی کلمات عربی را با وجود داشتن معادل فارسی در ترجمه خود به‌کار بسته است، به‌طور مثال کاربرد «ایضاح».

در بحث معادل‌یابی فارسی تنها اصطلاحاتی همچون «مطلع» برای *informant* «نابرجا» برای *shifter* «پویه‌های تعاملی، لحن‌مایه» برای *key* «برجسته‌سازی» برای *keying* «شاخک‌های تنظیم‌گر، تعامل‌نماد باوران» برای *symbolic interactionists* دوره و لاتینی‌گری معادل‌های شناخته‌شده‌ای نیستند و بهتر آن است که مفهوم آنها شفاف‌سازی شود. همچنین مترجم محترم به‌طور تناوبی گاهی از «روستا» و گاهی از «ده» نام می‌برد که از نگاه تخصصی و علمی «ده» و «روستا» عیناً یکی نیستند.

از نظر ساختار نحوی، جملات و ترتیب واژگانی مترجم در حد اعلاایی موفق عمل کرده است تنها در صفحه ۸۱ عبارت «قطعه‌ای از کارِ دستی» ذکر شده که ترکیب درستی نیست و منظور یکی از کارهای دستی بوده و نه قطعه‌ای از کارِ دستی؛ و یا در صفحه ۳۰ آمده است که «ما عروس و داماد تازه‌ایم»، چنین جمله‌ای را هیچ فارسی‌زبانی به‌کار نمی‌برد و اگر هم نویسنده متن اصلی چنین جمله‌ای را عیناً آورده باشد مترجم باید در بخش یادداشت مترجم و یا در پانویس صورت درست آن را ذکر می‌کرد.

از دیدگاه فرهنگ ایرانی اسلامی چند نکته در ترجمه این کتاب به‌چشم می‌خورد که مترجم محترم باید مد نظر می‌داشت. اولین مورد، در صفحه ۲۱۹ کلماتی آمده است که در گفتار و خصوصاً نوشتار فارسی تابو به‌حساب می‌آید و مترجم باید با ترفند خاصی، آنها را ذکر می‌کرد و از درج عین واژه اجتناب می‌کرد. مورد بعد اینکه در صفحه ۱۰۸ نویسنده دربارهٔ ایام دههٔ محرم می‌گوید «...این برنامهٔ

نمایشی که یک هفته به طول می‌انجامد بعضاً موجب شده است تماشاگران چنان در حال و هوای مراسم غرق شوند که به افراد شرور و بدنام حمله‌ور شوند و آنها را مضروب سازند.» که همه ما ایرانیان می‌دانیم که چنین چیزی وجود ندارد و نویسنده باید مفهوم را بهتر بیان می‌کرد و یا در بخش یادداشت‌های مترجم درباره آن توضیح می‌داد. همچنین به یاد داشته باشیم که این برنامه نمادین است و نه نمایشی! و به احتمال زیاد منظور نویسنده اصلی، نمایش تعزیه‌خوانی است که حسابش از عزاداری دهه محرم جدا است.

هنگامی که این کتاب را در تارنماها، کتابخانه‌ها و فروشگاه‌ها جستجو می‌کنیم، می‌بینیم که در زیرمجموعه‌های متفاوتی فهرست شده است - درجایی به عنوان کتاب زبان‌شناسی، درجایی به عنوان کتاب مردم‌شناسی و درجای دیگر، جزو کتب علوم سیاسی - و این خود حاکی از آن است که این کتاب می‌تواند توسط طیف گسترده‌ای از خوانندگان مورد مطالعه قرار گیرد. در محیط‌های دانشگاهی، این کتاب را می‌توان به عنوان کتاب مکمل برای درس میان‌رشته‌ای جامعه‌شناسی زبان، مقطع ارشد و دکتری رشته زبان‌شناسی معرفی نمود. این کتاب از لحاظ میدانی بودن تحقیق به عنوان نمونه‌ای صحیح از روش تحقیق در رشته‌های زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در کلیه مقاطع دانشگاهی قابل استفاده است. از آنجایی که کتاب ترجمه کتابی است که به زبان انگلیسی درباره زبان فارسی و به وسیله یک غیر فارسی‌زبان نوشته شده است، این برگردان می‌تواند نمونه قابل توجهی برای دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی باشد. دانشجویان رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و همچنین زبان‌آموزان فارسی نیز می‌توانند از این کتاب نهایت استفاده را ببرند. دانشجویان علوم سیاسی نیز می‌توانند با مطالعه چنین کتابی به نحوه درک ملیت‌های مختلف پی ببرند. اگر خیلی ریزبینانه به کتاب بنگریم، خواهیم فهمید، چنین کتابی برای سیاستمداران داخلی و خارجی نیز بسیار مفید است، چرا که حکومت بر هر ملتی به شناخت درست فرهنگ آن ملت نیاز دارد. شاید بتوان گفت شعارهای تبلیغاتی سران کشورها در سطور این کتاب رقم خواهد خورد. علاوه بر طیف خوانندگان بالا، کتاب حاضر می‌تواند مورد استفاده روان‌شناسان و جامعه‌شناسان نیز قرار گیرد.

منابع کتاب به سه قسمت الف - منابع فارسی، ب - منابع لاتین و منابع لاتین فصل نهم تقسیم شده است که نیازی به متمایز کردن عنوان منابع فصل نهم نیست و ذکر آن به صورت ج - منابع مقاله فصل نهم، توجیه بهتری دارد.

از آنجاکه کتاب حاضر به مسائل فرهنگی، اجتماعی، زبانی و مباحث مردم‌شناختی ایران از نگاه یک غیرایرانی می‌پردازد، هر آن احتمال خطا در درک او از جامعه ایرانی وجود دارد. از سویی با نهایت

احترام به نویسنده کتاب، ویلیام بی‌من، احتمال سوگیری و جانب‌داری وجود دارد. در این راستا بهتر است، مترجم همچون بخش یادداشت نویسنده، بخشی را به عنوان یادداشت مترجم به کتاب اضافه کند تا بدین وسیله نکات مبهم و یا احیاناً اشتباه نویسنده اصلی را به خوانندگان گوشزد نماید؛ همان‌طور که بی‌من، چنین نکته‌ای را در شماره ۹ از بخش یادداشت‌های نویسنده، با اعتراض به نقد دباشی به اثر ایشان، بیان کرده است. چند نمونه از نکاتی که در این اثر به توضیحات مترجم در چنین بخشی نیاز دارند به قرار زیر است:

۱. در دوران قبل از انقلاب در عنوان‌هایی که برای خطاب قرار دادن شاه در حضور یا غیبت او به کار می‌رفت، پیش از حد اغراق و غلو می‌شد و به عنوان فرد اول مملکت عنوان‌های پرطمطراق خاصی داشت، بنابراین مثال‌هایی که برای احترام و خطاب شاه به کار رفته معیار خوبی برای نوع خطاب قرار دادن هر فردی در جامعه ایرانی نیست.

۲. در مورد مثال صفحه ۲۱۵: (وقتی اعلیحضرت تشریف‌فرما شدن فرمودن که زودتر این کار را درست کنیم و من هم به ایشان عرض کردم...) درست کنیم و من هم به ایشان عرض کردم...

مترجم باید توضیح دهد که تغییر سبکی در این مثال به علت موقعیت خاصی نبوده است و در زمان پیش از انقلاب چنین سبک گفتاری صرفاً به قشر خاصی از جامعه به نام «لوتیان» تعلق داشته است.

۳. تعریف نویسنده از اصطلاح درویش تعریف جامعی نیست. همان‌طور که می‌بینیم او درویش را فردی معرفی می‌کند که «... با همگان حشر و نشر دارد یا هر نوع دعوت به اقامت در هر جایی را می‌پذیرد»، در صورتی که چنین نیست و هرکس که با همه حشرونشر زیادی دارد را درویش نمی‌نامند و خود نویسنده نیز اذعان دارد که باوجود حشرونشر زیاد خود با دیگران نه درویش خطاب شد و نه از جامعه طرد شد!

۴. در صفحه ۲۷۹، نویسنده می‌گوید که بیش‌تر رهبران مذهبی که به درجه فقاہت رسیده‌اند نوآوری امام خمینی در تأسیس نهادهای به نام ولایت فقیه در دوران غیبت امام را رد می‌کنند، آیا چنین است؟!

۵. در جای‌جای متن نویسنده به رابطه‌اش با کدخدا و استاندار و سران دولتی و کمک و یاری ایشان اشاره می‌کند و چه‌بسا به واسطه چنین روابطی مردم عادی در حضور نویسنده از بروز رفتارهای واقعی خود اجتناب کرده باشند و به قول معروف حرف دل خود را نزده باشند.

۶ معرفی کامل روستای گواکی.

علاوه بر نیاز به بخش یادداشت مترجم، کتاب حاضر به واژه‌نامه‌ای نسبتاً جامع نیز نیاز دارد چرا که در مباحث زبان‌شناختی فارسی، خصوصاً جامعه‌شناسی زبان، تحلیل کلام و مباحث میان‌رشته‌ای زبان هنوز هم اصطلاحات فنی از یکدستی قابل‌قبولی برخوردار نیست و گاهی یک اصطلاح خاص به فرایندها یا قاعده‌های متفاوتی دلالت می‌کند. به‌طور مثال می‌توان به وجه، سبک، کنش، لحن‌مایه، برجسته‌سازی و... اشاره نمود.